بقلم: آقای پورداود

مهاجرت پارسیان بهندوستان

۶

در این قسمت نیز مانند قسمت پیشین بمطالبی برنمیخوریم که باور کردنی نباشد بااین، تابیك اندازه میتوان بواسطه شواهد تاریخی بنیان قصه‌را محکمتر نمود. از شهرهائیکه اسم برده میشود وپس‌از سنجان اقامتگاه زرتشتیان شد کلیه درنقشه جغرافیائی گجرات معلوم است یکی از شهرهای گجرات که درآغاز قرن یازدهم میلادی اقامتگاه زرتشتیان بود کمبایت میباشد.

«محمدعوفی» صاحب تذکرهٔ «لباب‌الالباب» معروف که درسال ۱۲۱۱ دردهلی میزیست درکتاب دیگر خود «جوامع‌الحکایات» و «لوامع‌الروایات» از زرتشتیان کمبایت صحبت میدارد میگوید درعهد سلطنت «جای سنق» مشتی آتش پرست در شهر مذکور بودند چند خانواده سنی نیز در آنجا منزل داشتند از بالای منارهٔ مسجد آنان موذن مسلمانانرا برای ادای فریضه میخواند آتش پرستان چند کفاررا برآن داشتند که بمسلمانان حمله برند مسجدرا بسوختند ومناره را ویران کردند «راجا» برای تنبیه فرمان داد که دوتن ازبزرگان هندو ودوتن ازآتش پرستان را بسزا رسانند (کمبایت یاچبا نیرو وچمپا نیر (کمبای) واقعست در گجرات ۳۵۰ میل مربع است دارای ۷۵۲۲۵ نفوس است)

لابد محمد عوفی این افسانه را اززمان قدیم نقل میکند چه «جای سنق از سال ۱۰۹۴ تا ۱۱۴۳ حکمرانی‌داشت دستور خوش مست که درقصه از اواسم برده شدپسر نریوسنك معروفست کسیکه درقرن‌یازدهم‌میلادی‌قسمتی‌ازاوستارابسانسکریت ترجمه نمود ، ترجمه‌این‌پیشوای دانشمند دراین قرن اخیر خدمات شایانی بمستشرقین اروپائی نمود. چه یکی از اسبابیکه معنی اوستارا روشن ساخت همین ترجمه سانسکریت میباشد،

هنوز خانوادهٔ این دستور باقی است اززمان اوتاامروز پشت در پشت باز-ماندگان‌او دستور بودند ، دستور داراب پشوتن‌سنجانا ، دستور بزرك بمبئی منسوب باینخاندان نامی است . قصه زرتشتیان هندوستان که آنهم تاریخچهٔ منظوم است و سراینده آن دستور شاپورجی در۱۷۶۵بنظم کشیده‌است گوید: دویست سال پس از متفرق شدن ازسنجان یعنی درسال ۶۵۹ یزدگردی مطابق ۱۲۹۰ میلادی زرتشتیان گجراترا به پنج مرکز امور مذهبی تقسیم کردند. این مراکز عبارت است از سنجان نوساری گو داورا بهروج و کمبایت شکی نیست که زرتشتیان‌پس ازچندین‌صدسال اقامت درسنجان دراوایل قرن یازدهم درتمام گجرات متفرق بودند در سال ۱۱۴۲ موبدی موسوم به‌کامدین زرتشت ازسنجان‌به‌نوساری رفت تادرآنجا آداب ومراسم مذهبی مجری دارد ، سیاح ایتالیائی (فریار اودریك دابار دمون) که درسال ۱۲۲۱ درهند بود ازآتش پرستانی صحبت میدارد که مردگانشان‌را (مانند هندوان) نمی سوزانند بلکه باجلال بیرون شهر برده دربیابان میگذارند لابد مقصودسیاح همان زرتشتیان می‌باشند چون نتوانست آنانرا تشخیص دهد مثل همه هندوان پارسیان را بعقیده خود بت پرست نامید قصه سنجان ازلشکر کشی سلطان محمود بجمپا نیرو بالاخره فتح سنجان صحبت میداردواین سلطان معروف است‌به سلطان محمود بیقره. درتواریخ هندوستان لشکر کشی او مذکوراست . درمرآت سکندری آمده است که اسم اصلی اوفاتح خان میباشد وبرادر سلطان قطب‌الدین وجانشین سلطان داود شاه بوده است . چون سلطان داود شاه لیاقتی بروز نداد اورا خلع نموده فاتح خان را سلطان محمود خوانده بجای او نشاندند این سلطان ازسال ۸۶۳ تا ۹۱۷ هجری حکمرانی داشت .

از سرداروی الفخان‌ویاالپخان غالباً درجنگهای سلطان محموداسم برده‌میشود این سردار دریکی‌از جنگها بنای خود سری گذاشت درسال ۸۹۹ طرف غضب سلطان واقع شد ودوسال پس‌از این‌حادثه بمرد. آنچه از تواریخ هند برمیاید این است که چپانیر درقرن نهم هجری بدست مسلمانان افتاد . در مرآت سکندری

چنین آمده‌است : القصه فتح قلعه چپانیر بتاریخ‌دوم‌شهرذی‌القعده سنه‌تسع و ثمانین وثما نماة وقوع یافت. طبقات اکبری نیز همین تاریخ را داده میگوید در همانروز چانپانیررا محمدآباد نام نهادند تاریخ فرشته‌نیز بادو تاریخ مذکور موافقت نموده گوید وراجپوتان چون حال بدینمنوال دیدند وگرد ادبار برچهره خویش مشاهده کردند دراندیشه شده آتش بزرك برافروختند وجمیع اطفال وزنان‌را سوخته دست ازجان بشستند وانواع آلات حرب برداشته بجنك مشغول شدند و صبح روز دوم ذیقعده‌سنه تسع وثمانین وثمانماة مغلوب ومقهور گشته سپاه اسلام بغلبه تمام‌دروازه حصار بزرگ شکسته بدرون شدند وجمعی کثیر را بشمشیر نواختند .

هرچندکه‌تاریخ‌فتح چمپانیر معلوم باشد ولی تعیین تاریخ فتح سنجان ودست بگریبان‌شدن زرتشتیان‌بامسلمانان درآن سامان مشکل است بقول تواریخ مذکور فتح چمپانیر در۸۸۹ وقوع یافت واین مطابق میشود با۱۴۸۴ میلادی . اما دانشمند امریکائی «جکسن» می نویسد: که زرتشتیان درسال ۱۳۱۵ درردیف‌هندوان بضد مسلمانان جنگیدند .

موبد فاضل پارسی دکتر مدی میگوید که دکتر ویلسون را عقیده براین‌است که فتح سنجان درسال ۱۵۵۷ وقوع یافته است خود دکتر مدی متمایل است که فتح سنجان‌را درسال ۱۴۹۰ بشمارد وکاملا آنچه درقصه‌سنجان آمده است تاریخی می داند چه بنابقول‌قصه‌سنجان‌پانصدسال پس‌ازدخول‌اسلام‌درهند چمپانیر بدست‌مسلمانان افتاد پانصد سال پیش از ۱۴۹۰ مطابق میشود بالشگر کشی سبکتکین پدر سلطان محمود غزنوی که درسال ۹۹۰ میلادی اساس سلطنت اسلامی درقسمتی ازهندوستان بنانهاد البته باید درنظر داشت که قصه‌سنجان ازروی سنت نوشته شده است کلیه تاریخهای آن‌تقریبی‌است باتاریخ واقعی چندین سال کم وبابیش تفاوت‌دارد هرچند که‌تحقیقات‌دانشمندان‌درخصوص‌تواریخیکه‌قصه‌سنجان‌میدهدمفیداست‌ولی‌خوانندگان این‌نامه چندان ازآن‌بهره نتوانند برد چه اطلاعات محلی لازم دارد مقصود نگارنده همان اثری ازاین مهاجرین قدیم ایران‌نشان دادن وخط سیرآنان را جستن ناتمام